

(عنوان تحقیق: مطالعه تطبیقی شاخص های حکمروایی خوب شهری در کلان
شهر های ایران)

محمد اجزاء شکوهی^۱ محمد رحیم رهنما^۲ نسرين گوهری قاسم پور^۳

دانشگاه فردوسی مشهد

Shokouhim@um.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه علوم جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری علوم جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

روند سریع گسترش کلان شهرهای ایران بدون پیش‌بینی و استقرار ترتیبات نهادی و قانونی لازم برای کنترل و هدایت توسعه و ارائه خدمات متناسب در کل منطقه موجب بروز مشکلات و چالش‌های محتوایی متعدد، همچون گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی، تخریب محیط زیست، از بین رفتن اراضی مرغوب باغی و کشاورزی، آلودگی آب و خاک و هوا، ناکارایی شبکه حمل و نقل و غیره شده است. پرسشی که مطرح است، این است که چگونه می‌توان بر این چالش‌ها غلبه کرد؟ حل این چالش‌ها نیازمند الگوهای جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده کرد تا تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر کرد. الگوی حکمروایی می‌تواند نظریه‌ای جدید در پاسخگویی به انتظارات و مسوولیت‌های جدید باشد؛ الگویی که می‌تواند راه برون رفت از وضعیت فعلی و روشی برای ارائه خدمات عمومی بهتر باشد. در این پژوهش با بررسی وضعیت شاخص‌های مشارکت، شفافیت، مسوولیت و پاسخگویی، قانون‌مندی به عنوان ابعاد اصلی حکمروایی خوب شهری منابع و محدودیت‌هایی تحقق آن در کلان‌شهرهای تبریز، اصفهان و مشهد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از کتب و مقاله‌های علمی و با استفاده از روش فراتحلیل (Meta Analysis)، به شناسایی منابع و محدودیت‌هایی تحقق حکمروایی شهری در کلان‌شهرهای تبریز، تهران، مشهد می‌پردازد. به طور کلی بررسی وضعیت مدیریت شهری در کلان‌شهرهای ایران (تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و...) نشان می‌دهد که این شهرها هنوز با معیارهای حکمروایی خوب فاصله دارند.

واژه‌های کلیدی: حکمروایی خوب شهری، کلان‌شهر، مشهد، اصفهان، تبریز

۱- مقدمه

رفع ناپایداری توسعه شهری در کشور های در حال توسعه، رفع ناپایداری ها از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه ریزی و کار آمد سازی، اثر پذیری و مسولیت پذیری بیشتر در اداره امور شهری و تفویض وظایف، صلاحیت ها و قدرت به حکومت های محلی و دیگر ذی نفعان محلی است که تمام اینها به شیوه جدیدی از اداره شهر ها به نام حکمروایی شهری دلالت دارد. در شرایط پیچیدگی جوامع شهری و به دنبال آن تعدد و تکثر کنشگران و نیروهای موثر در حیات شهری در مقیاس های مختلف محلی، ملی و منطقه ای و ضرورت همگرایی آنها در جهت رسیدن به عدالت فضایی را می توان مهم ترین استدلال ضرورت حکمروایی شهری و جایگزینی آن به جای شیوه های قبلی مدیریت دانست. در این الگو از مسولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری بر ای رویکرد مدیریت و برنامه ریزی راهبردی فراهم می شود. در اینجا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری جزء جدایی ناپذیر آن است (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بر این اساس، تمرکز این تحقیق ارزیابی وضعیت کلان شهر های ایران از لحاظ شاخص های حکمروایی خوب شهری و بررسی موانع و محدودیت های تحقق حکم روایی شهری در کلان شهر های ایران است.

۲- بیان مسله

حکمروایی خوب شهری مفهومی است که هم با مسولیت حکومت و هم با تعهد شهروندان در ارتباط است. حکمروایی خوب شهری از دهه ۱۹۹۰ به عنوان رویکردی جدید و مناسب در مدیریت شهرها، مطرح و جایگزین مدیریت و حاکمیت شهری شد. حکمروایی خوب بر مفاهیمی مانند مشارکت، پاسخگویی، مسولیت پذیری، قانون مندی، شفافیت، پذیرا و پاسخده بودن، اجماع گرایی و عدالت استوار است که این مفاهیم شالوده حکمروائی خوب را تشکیل می دهند و به عنوان شاخص های حکمروائی خوب شناخته می شوند (رضوی و دیگران، ۱۳۹۲).

حکمروایی شهری مجموعه ای از افراد، نهادها، بخش عمومی و خصوصی است که امور شهر را برنامه ریزی کرده و اداره می نماید. در واقع فرایندی مستمر از تطبیق و هم سو سازی منافع متضاد و متفاوت افراد و گروههاست. این فرایند شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی و نیز سرمایه اجتماعی شهروندان است. حکمروایی شهری پیوندی ناگسستنی با رفاه شهروندان دارد. حکمروایی خوب شهری باید شهروندان را در دسترسی به مزایای شهروندی یاری رساند (کمیته اسکان سازمان ملل متحد). سیستم مدیریتی که مبتنی بر مشارکت گسترده نهادهای غیر دولتی و بخش خصوصی است به عنوان حکمروایی خوب شهری شناخته می شود. حکمروایی شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین محدود

کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرایی امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد. از این توجه و تعمق در این الگو کمک زیادی به یافتن ترکیبی جدید از همکاری سه بخش دولت (تسهیل‌کننده فعالیت عمومی)، جامعه مدنی (مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی) و بخش خصوصی (عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و رشد تولید ناخالص ملی) در ارائه خدمات عمومی بهتر خواهد نمود (رفعیان و حسین پور، ۱۳۹۰).

برایان مک لاین نخستین نظریه پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم توجه کرد. به عقیده او، تقاضای فزاینده مردم شهرها این است که حکومت شهری باید در قبال روندهای تغییر در شهر ((پاسخگوتر))، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آنها ((متناسب تر)) و نسبت به اجتماع ((مسئول‌تر)) باشد، به عنوان بخشی از نظام یادگیری بهتر عمل کند و نقش مهمی در پیش بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. وی تحقق این خواسته‌ها را در گرو ارتباط با نظام اجتماع و تعریفی از حکمروایی به مثابه فرایندی که متضمن نظام به هم پیوسته ای از ((حکومت)) و ((اجتماع)) به طور توأم است، می‌داند (برک پور، ۱۳۸۵:۴۹۱). امروزه حکمروایی خوب چه در کشور های توسعه یافته و چه در حال توسعه (مانند: مصر، ترکیه، کانادا، آمریکا، فرانسه) مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال کانادا به عنوان یک کشور توسعه یافته در سه سطح مدیریتی و حکومتی اداره می‌شود که این سه سطوح عبارتند از ۱- فدرال ۲- ایالتی ۳- در سطح سوم یعنی اجتماعات محلی، حکومت های محلی به منظور مدیریت شهرداری ها، شهر ها، شهرک ها و مناطق انتخاب می‌شوند (بصیرت، ۱۳۸۵).

نخستین بار در دوره اول مجلس شورای ملی به سال ۱۲۸۶ خورشیدی از مدیریت شهری به شکلی نوسخن به میان آمد و قانون تشکیلات بلدیة بر ۱۰۸ ماده به تصویب رسید. نکته قابل توجه این قانون آن بود که انتخاب شهردار برعهده انجمن بلدیة (انجمن شهر) گذاشته شد، در حالی که در دوره پهلوی انتخاب شهردار برعهده دولت بود و اعضای شهرداری، کارمند دولت محسوب می‌شوند (سعیدنیا، ۱۳۸۲). شکل‌گیری شوراهای اسلامی در سال ۱۳۸۷، نخستین گام جدی دولت برای تمرکززدایی و ایجاد نظام های محلی اداره امور در مقطع پس از پیروزی انقلاب به شمار می‌رود (آخوندی و همکاران، ۱۳۷۸، ۲). در ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه الگوی مدیریت مجموعه شهری دو سطح را در برمی‌گیرد: ۱- سطح منطقه‌ای (مجموعه شهری) ۲- سطح محلی (که شهرداری هر کدام از شهرها و شهرک‌های موجود در مجموعه شهری را شامل می‌شود). در مطالعاتی که در ایران جهت‌گزینه‌های الگوی مناسب برای نظام جامع مدیریت شهری صورت گرفته است اهدافی در نظر گرفته شده که شاخص‌های حکمروایی زمینه ساز رسیدن به این اهداف است. چارچوب این الگو بر پایه دو سطح ۱- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ۲- مدیریت اجرایی و عملیاتی قرار دارد. در این چهارچوب الگوی مدیریت شهری دو سطحی مدنظر است

که سطح اول آن را مدیریت مجموعه شهری شکل می‌دهد و سطح دوم به مدیریت شهری محلی می‌پردازد (تقوایی و تاجدار؛ ۱۳۸۸ به نقل از عسکری؛ ۱۳۷۸؛ ۵۳).

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در رابطه با حکمروایی خوب شهری در شهر های مختلف ایران (تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز) انجام شده است. این تحقیقات حکمروایی خوب را از ابعاد مختلفی بررسی کرده و نتایج متفاوتی را نیز ارائه داده اند. در مجموع از نتایج این تحقیقات برمی آید که شهر های ایران از نظر اصول حکمروایی خوب در جایگاه مناسبی قرار ندارند (رضوی و دیگران، ۱۳۹۲). انجام چنین تحقیقاتی، می‌تواند به شناخت واقعی جایگاه شهر های ایران از لحاظ شاخص های حکمروایی کمک نماید. در این تحقیق سعی شده با مطالعه تطبیقی تحقیقات صورت گرفته از ۳ کلان شهر اصفهان، تبریز، مشهد به شناخت موانع و محدودیت ها و چالش های تحقق حکمروایی خوب شهری در ایران پرداخته و راهکارهای در جهت ارتقای وضع کنونی پیشنهاد نماید.

۳- پیشینه تحقیق

کیو شنگ^۱ در مقاله تحت عنوان "حاکمیت شهری خوب در جنوب شرق آسیا" که در سال ۲۰۱۳ انتشار یافته بیان داشته که آسیای جنوب شرقی در حال تجربه رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی است. امروزه بیش از ۴۰ درصد آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند. با سیاست های عدم تمرکز مسئولیت از سطح ملی به دولت محلی منتقل شده و انتظار می‌رود که چنین سیاست هایی بر افزایش عملکرد کارآمد در مناطق شهری و حمایت از رشد اقتصادی بیشتر موثر باشد. در این مقاله استدلال می‌کند که اتکا به بازار توسعه و ارائه نیازها و خدمات عمومی شهری نیاز به دولت های قوی محلی و پیوستن به اصول حکمرانی خوب شهری دارد، تا اطمینان حاصل شود که نه تنها سازنده بلکه همچنین موجب توسعه پایدار و فراگیر شهری است. هاوس و کلوزن^۲ در مقاله تحت عنوان "رهبری خوب شهری و مشارکت جامعه مواد لازم برای حکمروایی خوب" که در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است بررسی می‌شود که چگونه رهبری سیاسی و مشارکت در جامعه با هم می‌تواند به تصمیم موثر قانونی و سیاسی در کمک به ایجاد زمینه حکومت شهری است بخصوص این پرسش مطرح شده است که اگر تعامل بین هر دو ظرفیت افزایش یابد برای حاکمیت محلات خوب است و بعد تجربیات^۴ شهر اروپا از کشورهای انگلستان، نروژ، آلمان، ایتالیا را بیان می‌کند. شيامسینگ^۳ در مقاله تحت عنوان "مشارکت شهروندان در امور شهری و تلاش برای شفافیت و پاسخگویی" که در سال ۲۰۱۳ انتشار یافته است بیان می‌کند که شهرنشینی در حال رشد که نه تنها اقتصاد کشور هند را

۱- Kioe Sheng

۲- Haus and Klausen

۳- Shyam Singh

تحت تاثیر قرار داد بلکه چالش‌های حکومت را پیچیده کرد. یکی از راه حل‌ها غیر متمرکز کردن حکومت است که در آن شهروندان باید سهم عمده‌ای در تصمیم‌گیری در مورد این که چگونه باید شهرستان‌ها مدیریت شوند دارند.

در تحقیقی دیگر که با عنوان "حکمرانی خوب در شهرداری مشهد" (حمزه ای و همکاران ۱۳۹۲) انجام شده است، اصول حکمروائی خوب، با اقدامات انجام شده در شهرداری مشهد در راستای دستیابی به حاکمیت مطلوب تطبیق داده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیان می‌دارد که اقدامات صورت گرفته در ۸۳.۳ درصد موارد با اصول حکمرانی خوب (شفاف سازی، پاسخگویی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، نتیجه‌گرایی و ظرفیت سازی) تطبیق داشته و فقط اصل ارتقاء ارزش‌ها در این اقدامات دیده نمی‌شود. در پژوهشی که توسط پورعزت و همکاران در سال ۱۳۸۸ به بررسی رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان شهرداری تهران پرداخته است نتایج پژوهش دال بر آن است که وضعیت پاسخ‌گویی و شفافیت در عملکرد شهرداری تهران مناسب نیست بگونه‌ای که در سه منطقه مورد بررسی از مناطق ۲۲ گانه تهران در منطقه ۳ (شمال تهران با رتبه اتوسعه یافتگی) و ۱۰ (مرکز تهران با رتبه ۱۶ توسعه یافتگی) وضعیت شفافیت و پاسخ‌گویی نامناسب و منطقه ۹ (جنوب تهران ۲۲ توسعه یافتگی) متوسط برآورد شده است. در تحقیق دیگری که به مساله پاسخ‌گویی شهرداری تهران به ارباب رجوع و شهروندان توسط فقیهی و تیمور نژاد در سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است نتایج یافته‌های حاصله در مجموع نشانگر عدم رضایت و نگرش منفی ارباب رجوع از پاسخ‌گویی متصدیان شهرداری تهران بوده است. تحقیق دیگری که به موضوع حکمروایی شهری در شهر مشهد در سال ۱۳۸۸ توسط اسدی پرداخته شده است با پرسشگری از شهروندان مناطق ۱، ۳، ۹ و نیز کارشناسان شهرداری به این نتیجه می‌رسد که میانگین حکمروایی خوب شهری در شهر مشهد برابر با ۲/۳۳ است که این منظور از میانگین نظری (۳) کمتر بوده و نشان دهنده وضعیت نامناسب حکمروایی در شهرداری می‌باشد.

۴- روش تحقیق

تمرکز این پژوهش بررسی تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران (تبریز، اصفهان، مشهد) با استفاده از روش فراتحلیل (Meta Analysis) است این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از کتب و مقاله‌های علمی است که مبتنی بر مطالعات موجود در مورد کلان‌شهرهای تبریز، اصفهان، مشهد در شاخص‌های حکمروایی خوب شهری بوده است. این پژوهش با تحلیل اطلاعات موجود شاخص‌های نام برده در شهرهای مورد مطالعه سعی بر ارائه الگویی

دارد تا بتواند نقاط مشترک قوت و ضعف را در خصوص شاخص های مزبور استخراج نماید و راهکارهای در جهت ارتقای وضع کنونی پیشنهاد نماید.

۵- مبانی نظری

۵-۱- حکمروایی و حکومت

حکومت به طور خاص به معنی حکمرانی از طریق اعمال اقتدار و نیز اداره امور کشور آمده است. بنابراین حکومت "ساختار سازمان رسمی و جایگاه تصمیم گیری اقتدار مابانه است" که در برگرفته شاخه های اجرایی و قانون گذاری کشور و نیز کسانی است که آن ها را کنترل می کنند. در مقابل حکمروایی کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان ها و بخش های عمومی و خصوصی در هم می روند. جوهره حکم روایی وجود روابط متعامل بین و دورن حکومت و نیروهای غیر حکومتی است. حکمروایی تلویحا به معنی اقدام مشترک و بنابراین وجود اهداف مشترک، چارچوب های ارزشی و قواعد مشترک، تعامل پیوسته و خواست برای دستیابی به منفعت جمعی است که از طریق انجام اقدامات انفرادی قابل حصول نیست. حکمروایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت شوندگان، حکومت و حکومت مربوط است " (Rakodi ۲۰۰۱: ۵۲۴). در این تعریف حکم روایی گسترده تر از حکومت است و حکومت یکی از مولفه های آن به شمار می آید. این تعریف تا حدی تایید این نکته است که هماهنگ سازی نظام های اجتماعی پیچیده و هدایت توسعه جامعه هیچگاه تنها به عهده دولت نبوده، بلکه همواره مستلزم روابط متقابل میان طیف بازیگران دولتی و غیر دولتی بوده است. بیشتر محققان از این هم جلوتر رفته و اظهار می دارند که در فرایند عمومی حکمروایی اهمیت دولت کاهش یافته است و سازمان های غیر دولتی نقش نسبتا مهم تری یافتند (همان). کاربرد دیگر حکمروایی به ماهیت ((روابط میان سازمان ها)) مربوط می شود. در این کاربرد، حکم روایی شامل شکل ویژه ای از نظم و ترتیب است. بر خلاف کنترل از بالا به پایین که در نظم مبتنی بر سلسله مراتب وجود دارد و همچنین برخلاف رابطه فردی در نظم بازار، حکمروایی مستلزم برقراری نظم از طریق شبکه ها و شراکت ها است. حکم روایی یعنی "خود سامان دهی روابط بین سازمانی" صاحب نظرانی که این کاربرد را می پذیرند معمولا به تغییر در ماهیت نظم در جوامع معاصر، از حکومت (سلسله مراتب) به حکم روایی اشاره می کنند (برک پور و اسدی؛ ۱۳۹۰؛ ۱۸۸-۱۸۹). در حقیقت، حکومت مبانی رسمی سازمانی را تهیه می بیند در حالی که حکمرانی تدارک و روند آزمون مشارکت در اعمال قدرت عمومی است (پلرر و پیترز، ۱۳۸۶، ص ۴۶). حکومت مجموعه از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می گیرد. کل نگری و فرا گیری همه ابعاد کنشگران و فرایندهای موثر بر حیات و توسعه شهری را می توان خصلت غالب در تلاش ها و تحولات

نظری مدیریت شهری دانست. این تحولات را در خلاصه ترین شکل ممکن می توان به صورت حرکت از الگوی پایه و قدیمی حکومت شهری به الگوی حکمرانی شهری تبیین و تعریف کرد (کاظمیان، ۱۳۸۶، ص ۵).

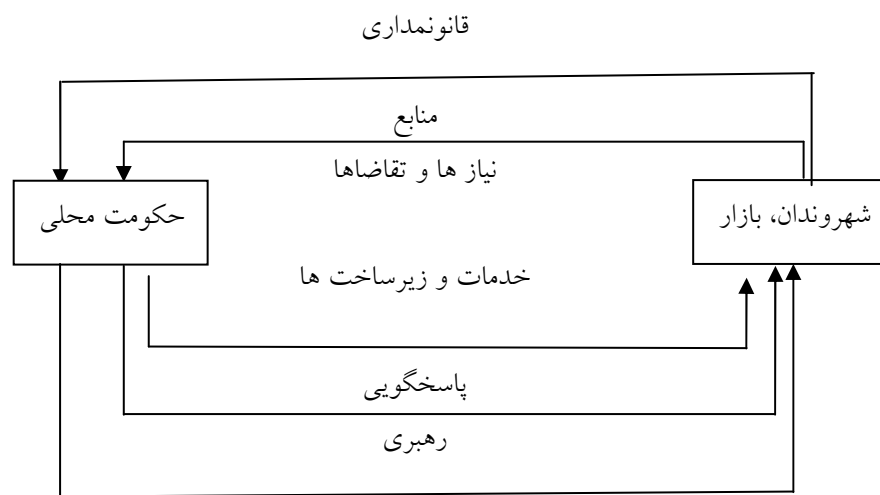
جدول شماره ۱: مقایسه ویژگیهای گذار اساسی حکومت و حکمروایی (برک پور؛ اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

عوامل مقایسه	حکومت (Government)	حکمروایی (Governance)
بازیگران Actors	تعداد بسیار محدود مشارکت کنندگان عوامل اجرایی اساسا دولتی	تعداد بسیار زیاد مشارکت کنندگان بازیگران بخش خصوصی و عمومی
کارکرد ها (وظایف) Functions	مشاوره ای صورت نمی گیرد هیچ همکاری در صورت بندی سیاست ها و اجرای آنها صورت نمی گیرد. گسترده گی زیاد موضوعات سیاسی	انجام مشاوره همکاری تا حد امکان در صورت بندی و اجرای سیاست ها گسترده گی کم موضوعات سیاسی
ساختار ها Structure	مرزهای بسته عضویت غیر اداری فراوانی و مدت زمان اندک تعامل	مرزهای بسیار باز عضویت داوطلبانه (اداری) فراوانی و مدت زمان بسیار اندک تعامل
قرارداد های تعامل Convention of Interavtions	اقتدار سلسله مرلثبی، رهبری متصل از بالا تعامل خصمانه / روابط متضاد برخورد های غیر رسمی پنهان کاری	مشاوره افقی / تحرک درونی توافق بر سر هنجارهای تکنوکراتیک / روابط تعاونی (همکاری منشانه) برخورد های بسیار غیر رسمی باز بودن (شفافیت)
توزیع قدرت Distribution of power	آزادی عمل بالای دولت از جامعه (هدایت شده) تسلط دولت گروه های ذی نفع جامعه هیچ نفوذی در دولت ندارد. هیچ تعادل یا همزیستی بین بازیگران وجود ندارد	آزادی عمل اندک دولت از جامعه (خود سازمان ده) تسلط پراکنده دولت گروه های ذی نفع نفوذ پراکنده ای در دولت دارند تعامل و همزیستی بین بازیگران وجود دارد.

۶- حکمروایی خوب شهری

چنین می نماید که حکمرانی خوب، ویژگی برجسته حکومت های دموکراتیک است و بی دموکراسی حکمرانی خوب تحقق نمی یابد. حکمروایی خوب شهری به نحوی ناگسستنی با رفاه شهروندان پیوند دارد و هدف آن فراهم نمودن بستر دسترسی زنان و مردان و کلیه اقشار جامعه به منافع و حقوق شهروندی است. حکمرانی شهری خوب برپایه حقوق شهروندی، تاکید می کند که هیچ مرد، زن یا کودکی را نمی توان از

دسترسی به ضرورت های زندگی شهری، شامل پناهگاه مناسب، امنیت مسکن، آب سالم، بهداشت، محیط پاکیزه، سلامتی، آموزش و تغذیه، اشتغال و امنیت عمومی و تحرک باز داشت و زمینه رشد و شکوفایی استعداد های افراد جامعه و بهره گیری بهینه از منابع را برای نیل به رفاه، پیشرفت، نظم، امنیت و سلامتی فردی و اجتماعی فراهم می کند. موضوع اصلی حرکت در جهت حکمرانی خوب شهری، رسیدن به شهر برون گرا خواهد بود. در شهر برون گرا هر فرد بدون توجه به ثروت، جنسیت، نژاد و سن، شایسته مشارکت سازنده و مثبت در فرصت های موجود در شهر است (گلی پور، ۱۳۹۱).



شکل شماره ۱: ساخت الگوی حکمرانی خوب (اسماعیل زاده ۱۳۸۸:۱۲۸)

۷- شاخص های حکمروایی خوب شهری

۱- مشارکت: منظور از مشارکت، قدرت تاثیر گذاردن بر تصمیم گیری ها و سهم شده شهروندان در قدرت است. مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم گیران و تایید سیاست های آنان محدود نمی شود. بلکه فرایندی است که در آن شهروندان و مسولان در تصمیم گیری شهری سهم می شوند. ۲- اثر بخشی و کارایی: این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تامین نیاز های شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است. ۳- پذیرا و پاسخ ده بودن: این معیار دو نکته مکمل را هم در بردارد. مسولان شهری باید هم نیازها و خواسته های شهروندان را در یابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب را از خود نشان دهند. بنابراین همسویی خواسته های شهروندان و اقدام مسولان ضروری است. ۴- مسولیت و پاسخ گویی: این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویا تر، حساب پس دادن مسولان و تصمیم گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین وجود ساز و کار هایی برای پاسخ گویی مسولان ضروری است. ۵- شفافیت: شفافیت نقطه ی مقابل پنهان کاری در تصمیم گیری است. پنهان کاری، امکان بروز فساد در

تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی آسان به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روند های موجود استوار است. ۶- قانون مندی: منظور از قانون مندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیر مسئول از تصمیم‌گیری هاست. پایبندی به قوانین، مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین احترام مسولان به قانون است. ۷- جهت‌گیری توافقی: شهر، عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی (نمایندگان گروه‌های مختلف) است. ۸- عدالت: منظور از عدالت، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه‌ی شهروندان در زمینه‌ی ارتقا و وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری‌ها است. ۹- بینش راهبردی: فرارفتن از مسائل روزه‌مره شهر و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم بینشی گسترده و دراز مدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی زمینه توسعه شهری است (برک‌پور؛ ۱۳۸۵). ۱۰- تمرکززدایی: طی مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه‌های تمرکززدایی هستند این مفهوم برواگذاری اختیار به سازمان‌ها و مراکز مختلف و صلاحیت نهادهای محلی بر انجام وظایف تاکید دارد. تمرکززدایی بر تفویض مسولیت به سطح پایین‌تر استوار است (برک‌پور؛ ۱۳۸۵).

جدول شماره ۲: معیارهای حکمرانی خوب شهری

UNCHS	بانک جهانی	جان فریدمن	UNDP/TuGI
تمرکز زدایی منابع و اختیارات	مشارکت		مشارکت
دسترسی برابر به منابع و تصمیم‌گیری‌ها		فراگیری و همه شمولیت	برابری
شفافیت	شفافیت		شفافیت
پاسخگویی	پاسخگویی	پاسخگویی عمومی	پاسخگویی
			حاکمیت قانون
مداخله مدنی و شهروندی	حساسیت در برابر نیاز فقرا	پاسخ دهی	پاسخ دهی
		مدیریت غیر خشن	وفاق گرایی

کارایی	مدیریت عمومی قوی، اثر بخشی هزینه، مدیریت مالی صحیح		اثر بخشی و کارایی
بینش استراتژیک، توسعه انسانی پایدار، پایداری، امنیت		رهبری سیاسی	بینش استراتژیک

۸- تجربیات جهانی حکمروائی کلانشهری

امروزه مفهوم منطقه گرایی نوین - در برابر منطقه گرایی سنتی - با مدیریت کلانشهری و حکمروایی کلانشهری گره خورده است. حکمروایی کلانشهری، الگوی پیشنهادی دیدگاه نومنطقه گرایی تلقی می شود. در الگوی حکمروایی کلانشهری، وظایف به طور عمده حول دو محور قرار دارد: از یک طرف توسعه اقتصادی و نقش منطقه کلان شهری در اقتصاد جهانی که تشدید مزیت های رقابتی آن و تلاش برای کسب رتبه شایسته ای در منطقه از اهداف آن است و از طرف دیگر وظایفی که مربوط به قلمرو دورنی منطقه است و شامل هم اندیشی و چاره جویی در مسائل زیست محیطی، خدمات و زیر ساخت های منطقه ای، برقراری عدالت توزیعی و مسائل اجتماعی و فرهنگی با مشارکت تمام کنشگران است (رفعیان و حسین پور؛ ۱۳۹۰، ۱۰۹-۱۱۰). به این ترتیب دو نمونه از تجربیات جهانی در رابطه با حکمروایی کلانشهری مورد توجه قرار می گیرد.

۸-۱- ایل دو فرانس پاریس:

پس از سال ۱۹۸۲ تمرکززدایی در سطح کشور فرانسه روی داد و بدین ترتیب حکومت های محلی و دپارتمان ها، آزادی بیشتری یافتند. به علاوه ۲۲ منطقه شکل گرفتند که به طور مستقیم دارای شورا های منتخب بودند. بدین سان نقش حکومت مرکزی بیشتر به نقش نظارتی تبدیل شد. نظام حکومت محلی در کشور فرانسه دارای ۲۲ منطقه ۹۶ دپارتمان و ۳۶۷۶۳ کمون است. حجم اندکی از قدرت به تدریج و پس از تصویب قانون تمرکززدایی در سال ۱۹۸۲ به مقامات محلی واگذار شده است. اما از آنجا که ایل دو فرانس منطقه پایتخت فرانسه است، وزن مقامات ملی در آن بیشتر از دیگر نقاط فرانسه به نظر می رسد. با این حال قانون اساسی فرانسه برای اداره بدنه های محلی، شوراهای منطقه، شوراهای دپارتمان و شوراهای محلی را بدون قیومیت حکومت محلی پیشینی کرده است. در نتیجه هیچگونه ارتباط سلسله مراتبی بین بدنه های پیش گفته وجود ندارد. در اداره منطقه ایل دو فرانس می توان دو دسته از عناصر را شناسایی کرد.

۱- اجتماعات محلی: این اجتماعات شامل دو شورای منطقه ای و شورای اجتماعی - اقتصادی اند. شورای

منطقه‌ای، شورایی انتخابی به صورت مستقیم است که به تصمیم‌گیری و وضع سیاست های منطقه‌ای می‌پردازد، حال آنکه شورای اجتماعی_اقتصادی ماهیتی مشورتی دارد. ۲- واحد مدیریتی: فرماندار منطقه ایل دو فرانس که به طور همزمان هدایت و رهبری منطقه ایل دو فرانس و نیز دپارتمان پاریس را برعهده دارد. شورای منطقه ای ایل دو فرانس از ۲۰۹ عضو تشکیل شده است که گروه سیاسی خود را نمایندگی می‌کنند. این شورا براساس رای مستقیم ساکنان در دوره ای ۶ ساله انتخاب می‌شود (بصیرت، ۱۳۸۵، ۴۴-۴۱).

۸-۲- ونکوور:

موسسه مسئول در حکمروائی منطقه ای ونکوور سازمان خدمات منطقه ای ونکوور بزرگ است. این موسسه به طور قانونی از دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت و اکنون برپایه قانون حکومت سال ۲۰۰۰ ایالت بریتیش کلمبیا به فعالیت می‌پردازد. هدف این سازمان حفظ و ارتقای کیفیت زندگی در منطقه از طریق ارائه خدمات ضروری منطقه است. کشور کانادا در سه سطح اداره می‌شود: حکومت فدرال، حکومت های ایالتی و اجتماعات محلی. در سطح سوم، حکومت های محلی به منظور مدیریت شهرداری ها، شهرها، شهرکها و مناطق انتخاب می‌شوند. این سطح که به عنوان حکومت محلی یا شهری شناخته می‌شود، مسئول وظایف محلی مانند امور پلیس، آتش نشانی، خدمات آب و فاضلاب، خدمات تفریحی، حمل و نقل عمومی محلی، جمع آوری برف و برنامه های جمع آوری زباله به شمار می‌آید. حکومت های محلی معمولاً دارای شورا هایی نیز هستند که همانند شهرداری به صورت مستقیم بوسیله شهروندان انتخاب می‌شوند و معمولاً نماینده احزاب سیاسی نیستند. قوه مجریه سازمان خدمات منطقه ای ونکوور بزرگ، از یک هیئت مدیره با یک رئیس و یک نایب رئیس تشکیل شده است که بوسیله اعضای هیئت مدیره برای دوره ای یک ساله انتخاب می‌شوند. هیئت مدیره این سازمان از نمایندگان منتخب ۲۲ ناحیه شهرداری منطقه کلانشهری ونکوور تشکیل می‌گردد. اعضای هیئت مدیره که نماینده شهرداری های منطقه به شمار می‌آیند، بوسیله شورا های محلی برای دوره یکساله منصوب می‌گردند. در این نواحی انتخاباتی که فاقد شورا هستند، اعضای هیئت مدیره بوسیله شهروندان و برای دوره ای سه ساله انتخاب می‌شوند. فعالیت این هیئت از طریق یازده کمیته انجام می‌گیرد. جلسات هیئت مدیره هر ماه یک بار تشکیل می‌شود و معمولاً حضور مردم عموم در آن آزاد است. این ویژگی ها نشان دهنده شفافیت و مشارکت‌پذیری در مدیریت کلانشهر است. سازمان خدمات منطقه ای ونکوور بزرگ دارای سیستم مدیریت کمیونی در تصمیم‌گیری و سیاست گذاری است. برای اداره آن نیز ۱۱ کمیسیون دائمی تشکیل شده است که توصیه های لازم برای تصمیم‌گیری و سیاست گذاری را به هیئت مدیره ارائه می‌کنند. از سوی دیگر کمیته های مشورتی شهرداری (متشکل از کارمندان شهرداری و سازمان خدمات منطقه ای ونکوور بزرگ) و کمیته های مشورتی

عمومی (متشکل از گروه‌های مختلف شهروندان) به کمیته های دائمی هیئت مدیره در زمینه موضوعات خاص می دهند (بصیرت، ۱۳۸۵، ۴۴-۴۱).

۹- حکمروائی در کلان شهر های ایران

۹-۱- کلان شهر تبریز:

یکی از شهر های بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان است. این شهر با ۲۳۷۴۵ کیلومتر مربع مساحت، سومین شهر بزرگ کشور پس از تهران و مشهد، بزرگ ترین شهر منطقه شمال غرب ایران و مناطق آذری نشین و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می شود. جمعیت تبریز در سال ۱۳۹۰ خورشیدی بالغ بر ۱،۴۹۴،۹۹۸ نفر بوده که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به ۱،۰۰۰،۸۰۰ نفر می رسد. مهمترین عاملی که در تحقق حکمروایی شهری در نظام مدیریت شهری دخالت دارد وجود عرصه عمومی فعال، پویا و تاثیر گذار در نظام کنترل و هدایت توسعه شهری و تعامل میان ذی نفعان شهری است، اما در نظام مدیریت شهری کلان شهر تبریز عرصه عمومی بسیار ضعیف بوده و ساز و کاری برای تقویت آن در نظر گرفته نشده است. همچنین با توجه به نبود همسویی اهداف و وجود اهداف متفاوت میان ذی نفعان شهری تعامل میان آنها وجود ندارد، بنابراین تحقق حکمروایی شهری مستلزم تقویت عرصه عمومی و یکی کردن اهداف نهادها و ذی نفعان شهری است. سیاست های رسیدن به حکمروایی شهری به شرح زیر تعیین شده است: ۱- ایجاد و گسترش سازمان های غیر دولتی فعال در امور شهری؛ ۲- افزایش فضاهای عمومی برای تقویت عرصه عمومی در شهر؛ ۳- همسو کردن اهداف گروه های ذی نفع در برنامه ریزی و مدیریت شهری؛ ۴- وضوح رویه های انجام کار و گردش آزاد اطلاعات؛ ۵- ایجاد شبکه های واقعی دریافت نظرات، نیاز ها و پیشنهادهای شهروندان؛ ۶- ارزیابی منظم عملکرد مسئولان و داشتن بازخورد مناسب عملکردها؛ ۷- تشکیل شورا های محلی؛ ۸- استقلال حکومت محلی از نظر مالی و تصمیم گیری درباره امور شهر؛ ۹- ایجاد درآمدهای پایدار برای حکومت های محلی؛ ۱۰- فعال سازی بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در توسعه شهر؛ ۱۱- اصلاح و به روز کردن قوانین شهری و ایجاد ضرورت رعایت آن برای مسئولان و شهروندان؛ ۱۳- ایجاد سازو کار نظارت به وسیله بخش عمومی برای فعالیت های نهادهای اداره شهر؛ ۱۴- آموزش شهروندان و کارکنان سازمان های مسئول و ارتقای آگاهی ها و فرهنگ شهروندی (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۱، ۵۲۴-۵۰۰).

۹-۲- کلان شهر اصفهان:

شهر اصفهان یکی از شهرهای استان اصفهان، واقع در بخش مرکزی شهرستان اصفهان است. این شهر با مساحت ۴۸۲ کیلو متر مربع با جمعیتی معادل ۱/۸۶۱/۴۱۰ نفر می باشد که حدود ۰.۳٪ درصد از مساحت و ۲/۴ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۰ طبق آمار رسمی کشور، جمعیت این شهر ۱،۷۵۶،۱۲۶ برآورد شده است (سالنامه آماری اصفهان ۱۳۸۹: ۹).

با مطالعه تطبیقی صورت گرفته مناطق چهارده گانه به لحاظ شاخص های حکمرانی خوب و معیارهای آن نشان می دهد که هر منطقه به لحاظ این معیارها دارای الگوی خاصی است و بنابراین مناطق چهارده گانه شهر اصفهان به لحاظ این معیارها با یکدیگر متفاوت هستند. و معیارهای حکمروایی به غیر از معیار کنترل فساد در سطح نامطلوبی قرار دارد و در این بین معیار مشارکت کمترین امتیاز را دارد. لذا می توان گفت شهرداری های مناطق چهارده گانه از لحاظ این معیارها در سطح نامطلوبی قرار دارند، و با توجه به میانگین های هر معیار، با تقویت هر چه بیشتر این معیارها مسولین مربوطه می توانند، میزان معیارهای حکمرانی خوب و در نتیجه سطح حکمرانی خوب را در شهر اصفهان را ارتقاء ببخشند. چرا که، مدیریت و حکمروایی خوب شهری هسته‌ی مرکزی و قلب راهبرد توسعه شهری (CDS) را تشکیل می‌دهد. بنابراین قبل از هر گونه برنامه ریزی باید ساختار مدیریت شهری در معیارهای حکمروایی خوب بررسی شود (اکبری و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۹-۱۰).

۹-۳- کلان شهر مشهد:

این شهر کلان شهری در شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ این شهر با ۲،۴۱۰،۸۰۰ نفر جمعیت دومین شهر پر جمعیت ایران پس از تهران است. این شهر به واسطه وجود حرم علی بن موسی الرضا، هشتمین امام مذهب شیعه، سالانه پذیرای بیش از ۳۲ میلیون زائر از داخل و بیش از یک میلیون زائر از خارج از کشور است. به نظر می رسد کلانشهر مشهد به پیروی از ساختارهای کلان ملی دارای نقیصه های مشابهی است که در مطالعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اما مشهد با توجه به موقعیت و شرایط خاصی که دارد، دارای ویژگی هایی در حوزه مدیریتی بویژه مدیریت شهری است. یکی از این ویژگی ها که مهمترین آن نیز هست، دوگانگی موجود در نظام مدیریت شهری است. در واقع این دو گانگی به خاطر وجود آستان قدس است که در سایر استان های کشور وجد ندارد. استان قدس می تواند به عنوان یک قوت و نیز یک فرصت استثنایی تلقی شود، اما استفاده مناسب از این مهم در صورتی ممکن است که در یک بستر همراه با تعامل و با هدف رسیدن به هماهنگی و در واقع مدیریت واحد شهری، با مشارکت تمامی نهادهای درگیر و با محوریت

آستان قدس و شهرداری صورت پذیرد. بنابراین دستگاههای مختلفی در امر مدیریت شهری مشهود حضور دارند که در این میان شهرداری و آستان قدس عمده ترین نهادها به شمار می آیند. این دستگاه ها کمترین هماهنگی را در انجام وظایف خود دارند و بیشتر اقدامات آنها موازی و باعث افزایش هزینه ها و ناکارآمدی سیستم شهری شده است. آنچه مسلم است، بازگرداندن آرامش به شهروندان در محیط ناپایدار و متلاطم شهری، کاهش نارضایتی شهروندان در برابر شهرداری، تبدیل حالت هول و هراس به امنیت خاطر و تقویت روحیه ی مشارکت جویی شهروندان نسبت به تصمیمات شهری و افزایش میزان همدلی شهروندان با مدیریت شهری قابل حل است. این فرایند دارای چند جنبه است: اصلاح قانون شورای اسلامی شهر، یکپارچگی مدیریت شهری، کاهش تعداد مراکز تصمیم گیری مدیریت شهری، هم پوشی قوانین و مقررات محلی و ملی، تمرکز منابع در آمدی شهر در صندوق شهری و جلوگیری از خروج آنها از شهر، ارتقای جایگاه عمده ترین نهاد تصمیم گیری شهری مشورتی به مشارکتی (رهنما و همکاران؛ ۱۳۸۹؛ ۱۵).

به طور کلی بررسی وضعیت مدیریت شهری در کلان شهر های ایران (تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و...) نشان می دهد که الگوی مدیریتی حاکم بر شهر های ایران، الگوی حکومت شهری می باشد و این شهر ها هنوز با معیار های حکمروائی خوب فاصله دارند (رضوی و دیگران، ۱۳۹۲).

جدول شماره ۳: وضعیت شاخص های حکمروایی در کلان شهر های تبریز، اصفهان، مشهد را بصورت تطبیقی نشان می دهد.

جدول شماره ۳: وضعیت شاخص های حکمروایی در کلان شهر های تبریز، اصفهان، مشهد

نام شاخص نام کلان شهر	مشارکت	شفافیت	قانونمندی	پاسخگویی ومسولیت پذیری
-----------------------------	--------	--------	-----------	---------------------------

<p>مسئولیت پذیری مسولان شهری در حد غیر قابل قبول ارزیابی شده و به عنوان محدودیت برای تحقق این شاخص ارزیابی می شود. کم بودن مسئولیت مسولان شهری در کلان شهر تبریز به این دلیل است که آنها در قبال کارها و تصمیماتی که می گیرند بازخواست نمی شوند و این امر موجب اتخاذ تصمیماتی می شود که با اصول اداره شهر تناسب چندانی ندارد و منجر به نارضایتی شهروندان از مدیران شهری و نحوه اداره شهر می شود.</p>	<p>در خصوص این شاخص اطلاع رسانی در خصوص ضوابط و مقررات شهری برای شهروندان وجود دارد که این عامل را می توان ناشی از میل مدیران شهری برای تسریع در روند انجام کارهایشان دانست. این امر موجب کاهش مقاومت مردم در برابر اجرای این طرح ها خواهد بود. وجود افراد ذی نفوذ در تصمیمات شهری موجب اتخاذ تصمیماتی خواهد شد که در آن تنها منفعت شخصی این افراد و نه منفعت عمومی در نظر گرفته شده است. کم بودن تلقی شهروندان از مفهوم قانونمندی که ناشی از عدم آموزش و فرهنگ سازی درست است منجر به عدم شکل گیری شهروندی و احساس تعلق به شهر خواهد شد. نبود تناسب قوانین با مسائل شهری موجود نیز ناشی از به روز نبودن و بومی نبودن این قوانین است که مشکلاتی چون قانون</p>	<p>برای تحقق معیار شفافیت در مدیریت این کلان شهر محدودیت وجود دارد. بررسی ها نشان می دهد که مدیران شهری برای تسریع در روند اجرای طرح ها و برنامه ها و حل مسائل عمران شهر تا حدودی برنامه ها را اعلام عمومی و در مورد آنها اطلاع رسانی می کنند و این خود موجب درک مسائل و از بین رفتن مقاومت از سوی شهروندان در مقابل این طرح ها و تسریع در انجام امور می شود. ولی با توجه به اینکه برای اجرای طرح ها از نظرات شهروندان استفاده نمی شود. همچنین عدم وضوح رویه ها و گردش آزاد اطلاعات در سیستم مدیریت شهری زیرا مسولان شهری تمایلی به پاسخگویی در قبال تصمیماتی که می گیرند ندارند و این خود موجب افزایش فساد در سیستم مدیریت شهری که باعث نبود شفافیت است.</p>	<p>این شاخص در کلان شهر تبریز در وضعیت خوبی قرار ندارد دلیل این امر تمایل نداشتن مدیریت کلان شهر تبریز به دخالت شهروندان در امور شهری است که نتیجه آن نبود هیچ سازوکاری برای مداخله شهروندان در روند اداره و توسعه شهر است. از سوی خود شهروندان نیز به دلیل آگاهی نداشتن و همچنین نبودن شرایط و فرهنگ مشارکت در اداره شهر فعالیت چندانی در مشارکت با مدیران برای اداره امور شهر ندارند و پیامد این امر نیز ضعیف شدن عرصه عمومی و به وجود نیامدن سازمان های غیر دولتی در اداره امور شهر است.</p>	<p>تبریز</p>
--	--	---	---	--------------

	گزیزی را ترویج می دهد.			
اصفهان	این شاخص در بین شاخص های دیگر امتیاز خیلی کمی دارد.	بعد از شاخص مشارکت این شاخص هم در وضعیت خوبی قرار ندارد	بعد از شاخص مشارکت این شاخص هم در وضعیت خوبی قرار ندارد	بعد از شاخص مشارکت این شاخص هم در وضعیت خوبی قرار ندارد
مشهد	شاخص مشارکت در همه مناطق وضعیت مطلوب تری نسبت به سایر متغیرها دارد و از درجه مطلوبیت متوسطی برخوردار است. البته این به معنای عملکرد خوب شهرداری نیست ، بلکه این میزان از مطلوبیت به دلیل تمایل بالای شهروندان برای مشارکت و کمک به برنامه ریزیها و مدیریت بهتر شهر می باشد. با توجه به تمایل شهروندان به مشارکت با مجموعه مدیریت شهری ، پیشنهاد می شود که شهرداری و	بر اساس مطالعات تطبیقی که هر کدام در مناطق مختلف مشهد صورت گرفته است حکمروایی در شهر مشهد، با توجه به شاخص شفافیت و پاسخگویی در حد مطلوبی ندانسته اند.	بر اساس مطالعات تطبیقی صورت گرفته وضعیت این شاخص در شهر مشهد نامطلوب ارزیابی می شود	در پژوهش های صورت گرفته در مشهد در مناطق مختلف برخی از پژوهش ها وضعیت این شاخص را متوسط ارزیابی کرده اند و برخی نامطلوب ارزیابی کرده اند.

			شورای شهر با فعال کردن شورایی ها در محلات شهری زمینه مشارکت افراد علاقه مند و آگاه محلات را در اداره شهر فراهم کنند. این امر می تواند از طریق شناسایی افراد در اماکن عمومی مثل مساجد ، پارک ها و .. . میسر شود. افراد علاقه مند و آگاه را می توان بوسیله مصاحبه و پرسشنامه شناسایی کرد.	
--	--	--	---	--

منبع: نگارنده با توجه به مطالعات تطبیقی (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۱ - اکبری و دیگران، ۱۳۹۲ - رضوی و دیگران

۱۳۹۲ - علیزاده، ۱۳۹۲ - حسین زاده کجیدی، ۱۳۹۱)

۱۰- بحث و نتیجه گیری:

نیم نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران نشان می دهد، به دلایلی چون تمرکز گرایی، برون زا بودن برنامه ها و طرح های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری در سیطره دولت بوده و از سیستم مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی گرفتار شده و از روند شهر نشینی عقب مانده است (تقوایی و تاجدار: ۱۳۸۸، ۴۷).

در ایران "مدیریت شهری مدیریت واحدی نیست و اداره کنندگان شهر مشتمل بر نمایندگان دولت و مردم هستند. این نوع مدیریت متفرق سبب دوباره کاری، انجام کارهای موازی و گاهی از بین رفتن سرمایه های عمومی، ایجاد تشکیلات عریض و طویل دیوانی، ایجاد اصطکاک و برخورد ادارات، ناهماهنگی در انجام وظایف و عدم مسولیت پذیری میشود. در بسیاری از کشور های پیشرفته دنیا، مدیریت شهری، مساوی شهرداری است، ولی در ایران مدیریت شهری صرفا مساوی با شهرداری نیست و نهادها و سازمانهای دولتی نیز در این حوزه حضور دارند که به همراه شهرداری به اعمال مدیریت شهری در سطح محلی می پردازند و مانع از شکل گیری سیستم مدیریت واحد شهری در چارچوب سازمانی شهرداری می شوند. دولت ها باید نقش پشتیبانی، ارشادی و هدایتی شهرداری ها را داشته باشند، ولی در ایران برنامه های دولت بدون توجه به منافع و مضراتی که برای شهر دارد، بر امور شهرها سایه افکنده است. نظام متمرکز امور در ایران، تاکنون در عمل امکان استقلال و خود کفایی نظم مدیریت شهری را فراهم نکرده است و عملا با ایجاد

ساختارهای مشابه در سطوح محلی و شهری در کنار نهادهای عمومی چون شهرداری و شورای شهر با ایجاد تعدد مراجع مدیریتی در حوزه شهر مانع از پا کیزگی مدیریت واحد شهری شده است. در ایران فقدان ارتباط نهادها با یک دیگر و نبود ارتباط منسجم با شهرداری ها نتایج به نسبت نامطلوبی را برای شهر ها به خصوص در حوزه فعالیت های عمران و توسعه شهری و تاسیسات و تجهیزات شهری باعث شده است. در کل می توان گفت که عدم تحول ساختاری نهاد شهرداری از حالت سازمان محلی به حکومت محلی و به دنبال آن عدم شکل گیری مدیریت واحد یکپارچه شهری در کشور معلول علل و عوامل چندی است که برای دستیابی به آنها باید مطالعات جامعی بر روی سیر تاریخی تحولات سیستم مدیریت شهری در کشور، قوانین مربوطه در حوزه شهری و انواع سیستم های حکومتی صورت گیرد (فطرت و دیگران، ۱۳۹۱).

۱۱- پیشنهادهای برای اصلاح برخی قوانین

۱۱-۱- اصلاح قوانین شهرداری و شوراها

تنظیم قوانینی که همه ی اجزای مدیریت شهری را در قالب نهاد شهرداری و سازمان های وابسته پیش بینی کند؛

نهاد قانون گذاری و سیاست گذاری کلی باید مشخص شود؛

نقش شهرداری باید به عنوان متولی اصلی مدیریت شهری مورد پذیرش قرار گیرد؛

شهرداری باید ابزارها و سازوکار لازم به منظور هماهنگ کردن دیگر سازمان ها را داشته باشد؛

برنامه های مدیریت شهری باید به صورت یکپارچه و با مسولیت شهرداری با همکاری همه سازمان ها

و ارگان های دیگر تهیه و تمامی سازمان ها در سطح محلی ملزم به رعایت آن باشند؛

بهره گیری از قوانین و تجربه مدیران قبل و حال حاضر؛

استفاده از نظرات و مشاوره کارشناسان زبده حقوقی برای مطالعه قوانین موجود و تطبیق آن با وضعیت

فعلی و ارائه نظرات جدید؛

تصویب قوانین مرتبط با حوزه خدمات شهری مالی و دادن قدرت اجرایی به شهرداری؛

ایجاد شعب حقوقی و کیفری مختص شهرداری در دادگستری؛

ضمانت قانونی یکپارچه سازی خدمات شهری برای تمام مدیریت های وابسته به نهادها و ارگان های

دولتی با شهرداری های کشور لحاظ شود؛

پیگیری قانونی عدم اجرای مصوبات، آیین نامه ها و مصوبات شهری برای تمامی دستگاه های اجرایی و

نظارتی؛

تشکیل دادگاه های تخصصی و مستقل مخصوص شوراها و شهرداری های کشور؛
اصلاح برخی قوانین اداری کشور مربوط به اداره دیگر دستگاه های اجرایی؛
وضع قوانین جدید برای نهاد هماهنگ کننده اداره شهرها.

۱۲- فهرست منابع

- ۱- آخوندی، عباسی؛ برک پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۸۷). آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران. فصلنامه پژوهش های جغرافیایی. شماره ۶۳، بهار. صص ۱۵۶-۱۳۵.
- ۲- اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۸). تحلیلی برمسائل شهر های ایران (توسعه شهروندی و مدیریت مشارکتی). فصلنامه پژوهش مدیریت شهری. ویژه نامه علمی تخصصی نشریه همگامان. شماره دوم بهار..
- ۳- اکبری، حق شناس، نعمت، مرضیه، (۱۳۹۲)، بررسی عملکرد شهرداری در چارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: مناطق چهار ده گانه ی شهر اصفهان)، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
- ۴- اسدی، روح الله، (۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه حکمروائی خوب شهری در شهر مشهد با مدل SWot پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی
- ۵- برک پور، ناصر - اسدی، ایرج، (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروائی شهری، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی
- ۶- برک پور، ناصر، (۱۳۸۵)، حکمروایی شهری و نظام اداره شهر ها در ایران، همایش برنامه ریزی و مدیریت شهری
- ۷- بصیرت، میثم، (۱۳۸۵)، تجربیات جهانی حکمروائی مناطق کلانشهری؛ آموزههایی برای ایران، فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۸ پاییز ۸۵
- ۸- پور عزت، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۸) "رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان ها" فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴، ۳۸-۷
- ۹- پرهیزکار، اکبر - غلامرضا، رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلانشهری، فصلنامه مدیریت شهری
- ۱۰- پلرز، جی و جی پیترز (۲۰۰۰). در بار دولت و حکمرانی. فصل اول: نگاهی به تعاریف و مفاهیم حکمرانی. ترجمه محمد حسین جهانشاهی. فصلنامه جستار های شهر سازی. شماره ۲۰-۱۹. بهار ۸۶.
- ۱۱- تقوایی، علی اکبر - تاجدار، رسول، (۱۳۸۸)، در آمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری شماره ۲۳ بهار ۸۸
- ۱۲- حمزه ئی، مجید، (۱۳۹۲)، حکمرانی خوب در شهرداری مشهد، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد
- ۱۳- حسین زاده کجیدی، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی و سنجش شفافیت، پاسخگویی در مدیریت شهری (شهرداری) مشهد بر اساس الگوی حکم روایی شهری خوب، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه فردوسی
- ۱۴- رهنما، محمد رحیم و همکاران، (۱۳۸۹)، تحلیل حکمروائی خوب شهری در مشهد با استفاده از الگوی SWot، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره پانزدهم پاییز و زمستان ۸۹
- ۱۵- رفعیان، مجتبی - حسین پور، سیدعلی، (۱۳۹۰)، حکمروائی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی، طحان: هله

۱۶- رضوی، نیازمند، کاظم زاده، حسن، عثمان، علی، (۱۳۹۲)، ارزیابی شاخص های حکمروایی خوب شهری (مطالعات موردی: مناطق ۲، ۸ و ۱۱ شهر مشهد)، پایان نامه کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۱۷- فطرت، طالب، معیت، علیرضا، احمد، محمد، (۱۳۹۱)، اسقرار مدیریت یکپارچه شهری گامی موثر در حکمروایی خوب شهری، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری جلد ۳

۱۸- فقیهی، ابوالحسن، کاوه تیمور نژاد (۱۳۸۵) نظام پاسخگویی در شهرداری تهران، پژوهشی پیرامون چگونگی ارائه خدمات شهری و رضایت شهروندان "فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۰، ۱۹-۴۸"

۱۹- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶). در آمدی بر الگوی حکمرانی شهری. فصلنامه جستارهای شهرسازی شماره ۲۰-۱۹. بهار.

۲۰- کاظمیان، علی، غلامرضا، اسماعیلی، (۱۳۹۱)، بررسی وضعیت شاخص های حکمروایی خوب شهری در کلانشهر تبریز، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری جلد ۱

۲۱- گلی پور، مرجان، (۱۳۹۱)، دستیابی به حاکمیت شایسته شهری با رویکرد فنی و تکنولوژیکی از طریق سامانه های ۱۸۸۸ و ۱۳۷، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری جلد ۳

۲۲- علیزاده، مریم، (۱۳۹۲)، تحلیل حکمروایی شهری در مشهد (نمونه موردی: مناطق یک، سه و ده شهرداری مشهد)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

[۲۳]-Haus .Klausen .Michael .janErling ، (۲۰۱۳) ، Urban Leadership and Community Involvement: Ingredients for Good Governance? SAGE Publications ، Urban Affairs Review ۲۰۱۱ ۴۷: ۲۵۶ originally published online \ December ۲۰۱۰

[۲۴]-Kioe sheng ، yap ، (۲۰۱۳) ، Good Urban Governance in Southeast Asia .SAGE Publications ، Environment and Urbanization ASIA ۱(۲) ۱۳۱۱۴۷ © ۲۰۱۰ National Institute of Urban Affairs (NIUA)

[۲۵]-Rakodi.C (۲۰۰۱) .forget planning.put politics first ?priorities for urban management in developing countries. journal of JAGI. volume ۳. Issue ۳.

[۲۶]-Singh .shyam ، (۲۰۱۳) .Citizens' Participation in Urban Governance: Quest for Transparency and Accountability .SAGE Publications .Environment and Urbanization Asia ۴(۱) ۱۹۱-۲۰۲ © ۲۰۱۳ National Institute of Urban Affairs (NIUA)